

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

بیعت کنندگان رضوان

۹

گناهان فراوان

۲۱ فروردین ۱۳۸۷

۲ ربیع الثانی ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾^(۱) .

خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد، خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست. از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به عنوان پاداش نصیب آنها فرمود.

رضایت خدا از صحابه؛

ششمین آیه‌ای که اهل سنت و متکلمین آنان برای اثبات عدالت و صلاحیت تمامی صحابه تا پایان عمرشان به آن استناد می‌کنند، آیه ۱۸ سوره مبارک فتح می‌باشد. در این آیه خداوند متعال می‌فرماید:

۱- سوره فتح، آیه ۱۸.

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ .

خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد، خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست. از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی به عنوان پاداش نصیب آنها فرمود.

نظریه پردازان عدالت صحابه بر این باورند که با توجه به اینکه آیه فوق مربوط به واقعه رضوان و صلح حدیبیه^(۱) می باشد و نیز از آنجا که در این آیه خداوند متعال، رضایت و خشنودی خود را از تمامی کسانی که در این واقعه با رسول الله ﷺ بیعت کردند اعلام می دارد؛ در نتیجه تمامی بیعت کنندگان در بیعت رضوان مرضی خداوند و آمرزیده هستند. در یک بیان فنی تر می گویند: اعلام رضایت پروردگار از تمامی بیعت کنندگان حاکی از علم خداوند بر این مطلب است که همه بیعت کنندگان تا پایان عمر سالم و صالح می باشند و مؤمن و عادل از دنیا می روند؛ زیرا خداوند متعال از کسانی که کافر و یا فاسق از دنیا بروند راضی و خشنود نمی باشد. اهل سنت در کتب خود پس از بیان استدلال فوق به شیعیان اعتراض کرده و می گویند: شیعیان برخی از صحابه را عادل نمی دانند و آنان را مورد لعن و دشنام قرار می دهند، به درستی که خود آنان سزاور لعن و دشنام هستند؛ زیرا کسی که مؤمنین را دشنام دهد، کافر است. و اضافه می کنند، شیعیان به قرآن ایمان ندارند؛ زیرا در قرآن به عدالت و ایمان تمامی صحابه تصریح شده است، اما شیعیان این مطلب را نمی پذیرند.

۱- برای اطلاع بیشتر از واقعه رضوان و حوادث پیرامون آن به جزوه شماره ۳۲ صفحه ۷ به بعد رجوع کنید.

نقد استدلال اهل سنت؛

اکنون که استدلال اهل سنت بر آیه فوق و نیز مدّعی آنان در مورد شیعیان را بیان کردیم، زمان آن می‌رسد که برای پاسداشت حریم شیعه و رفع اِتّهام از این مکتب استدلال علمای اهل سنت را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. استدلال اهل سنت به آیه مورد نظر برای اثبات عدالت تمامی صحابه با اشکالات فراوانی روبرو می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم.

الف: عدم شمول تمامی صحابه؛

نظریّه پردازان عدالت تمامی صحابه می‌خواهند با استناد به آیه مورد نظر عدالت تمامی صحابه را ثابت کنند اما گویا به این نکته توجه ندارند که آیه فوق تنها در صدد بیان رضایت الهی از تمامی کسانی است که در بیعت رضوان، دست بیعت در دستان مبارک رسول الله ﷺ قرار دادند. بنابر این در نخستین گام، شمول و عموم ادّعی اهل سنت مبنی بر عدالت تمامی صحابه مورد تردید قرار می‌گیرد؛ زیرا تمام کسانی که در ماجرای صلح حدیبیه حضور داشتند و با رسول الله ﷺ بیعت کردند در حدود هزار چهارصد تا هزار پانصد نفر بودند، اما هنگام وفات پیامبر ﷺ تعداد صحابه تا صد و چهارده هزار نفر ثبت شده است.

بنابر این در مرحله اول آیه ۱۸ سوره فتح تنها ایمان و عدالت بیعت

کنندگان در صلح حدیبیه را ثابت می‌کند نه همه صحابه را.

ب: رضایت در زمان بیعت؛

خداوند متعال در این آیه پس از اعلام رضایت از مؤمنین حرف «اذ» را به کار می‌برد و می‌فرماید: ﴿إِذْ يُبَايِعُونَكَ﴾ همانطور که علمای نحو بیان کرده‌اند

حرف «اذ» برای بیان ظرف زمان گذشته است^(۱) و حرف «اذا» برای بیان ظرف زمان آینده است^(۲).

توضیح مطلب آنکه حرف «اذ» - که برای بیان ظرف زمان گذشته است - بیان می‌کند که خداوند متعال در زمان بیعت از بیعت کنندگان راضی و خشنود است نه در تمام زمانها. به تصریح آیه، رضایت الهی مقید به زمان خاص می‌باشد و به نحو اطلاق و برای همه زمانها و مکانها به کار نرفته است.

به عبارت دقیقتر و به تعبیر علمای علم اصول، رضایت الهی در این آیه عموم ازمانی و افرادی نیست؛ یعنی خداوند متعال نسبت به بیعت کنندگان در همه زمانها و مکانها اعلام رضایت نفرموده است بلکه ایشان تنها هنگامی که با رسول الله ﷺ بیعت کردند مرضی خداوند متعال بودند، و آیه نسبت به پس از بیعت هیچ دلالتی ندارد. برای اثبات عدالت در چنین موردی باید بررسی کرد که آیا بیعت کننده، به شرایط بیعت تا آخر عمر پایبند مانده است یا خیر؟ پیمان شکنی کرده یا نه؟ به شرایط وفای به عهد استوار مانده یا خیر؟ و از همه مهمتر اینکه آیا بیعت با رسول الله ﷺ گناهان بعدی فرد را می‌آمرزد یا خیر؟ پس از بررسی و پاسخ گویی به سؤالات فوق، می‌توان نسبت به عدالت بیعت کنندگان پس از بیعت، نظری ارائه داد.

به طور خلاصه دلالت آیه در همین حد است که خداوند متعال از گروهی خاص - حاضران و بیعت کنندگان در بیعت رضوان - در زمانی خاص - هنگام بیعت - راضی و خشنود است.

۱- مغنی اللیب، جلد ۱ صفحه ۱۱۱.

۲- مغنی اللیب، جلد ۱ صفحه ۱۲۷.

ج: عدم پایبندی به عهد؛

روشن شد که ثبات قدم و استواری در عهد و بیعت با رسول الله ﷺ رضایت دائمی پروردگار را به همراه دارد. پس آنچه که مهم است استمرار رضایت الهی تا پایان عمر می باشد نه به دست آوردن خشنودی خداوند متعال در زمان و مقطعی خاص. در همین سوره خداوند متعال در رابطه با پیمان شکنان می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^(۱).

کسانی که با تو بیعت می کنند (در حقیقت) تنها با خدا بیعت می نمایند، و دست خدا بالای دست آنها است، پس هر کس پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان شکسته است، و آن کس که نسبت به عهدی که با خدا بسته وفا کند، به زودی پاداش عظیمی به او خواهد داد. با توجه به آیه فوق روشن می گردد که پاداش فراوان خداوند متعال برای بیعت کنندگان، هنگامی به آنان تعلق می گیرد که بر شرایط بیعت مستقر مانده باشند، اما اگر نقض عهد کردند و پیمان شکستند مشمول لطف و رضایت الهی قرار نخواهند گرفت.

به عبارت واضح تر ارزش بیعت با رسول الله ﷺ در گرو وفای به عهد و استمرار در آن می باشد. بیعت کننده باید در زمان بیعت، نیت و قصد وفای به عهد دائمی داشته باشد. صرف دست در دست پیامبر ﷺ قرار دادن و با ایشان بیعت

۱- سوره فتح، آیه ۱۰.

کردن - به ویژه که پس از آن نقض پیمانهای زیادی در تاریخ ثبت شود - هیچ ارزشی ندارد.

به عنوان نمونه یکی از اهداف مهم بیعت رضوان این بود که مسلمانان در هنگام جنگ، رسول الله ﷺ را تنها نگذارند و از میدان کارزار فرار نکنند اما در جنگ احد و خندق بسیاری از مسلمانان فرار را بر قرار ترجیح دادند. در غزوه احد دندان مبارک رسول الله ﷺ شکست و تنها امیرالمؤمنین علیه السلام و گروه اندکی در میدان نبرد ماندند و مبارزه کردند^(۱).

در غزوه خندق، هنگامی که عمرو بن عبدود توانست از خندق عبور کند، بسیاری گریختند و هیچ یک از مسلمانان دعوت رسول الله ﷺ را برای نبرد با عمرو بن عبدود را لیبیک نگفتند و تنها امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر به نبرد شدند^(۲). در جنگ خیبر نیز هنگامی که ابو بکر و عمر کاری از پیش نبردند، پرچم سپاه اسلام به دست امیرالمؤمنین علیه السلام سپرده شد و ایشان با کندن درب قلعه خیبر پیروزی سپاه اسلام را رقم زدند. درست یک شب قبل از این رشادت بود که رسول الله ﷺ در حق امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلًا يَحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولَهُ كَرَّارٍ غَيْرِ قَرَّارٍ»^(۳).

فردا پرچم را به کسی می سپارم که خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم را دوست

۱- تاریخ اسلام، ذهبی، جلد ۱ صفحه ۱۷۸-۱۷۳.

۲- تاریخ اسلام ذهبی، جلد ۱ صفحه ۲۰۹ و البداية والنهاية، جلد ۴ صفحه ۱۲۰.

۳- کافی، جلد ۸ صفحه ۳۵۱ و امالی مفید علیه السلام، صفحه ۵۶ از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۹۹ صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۷۶ و صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۱۹۵.

می‌دارد و خدا و رسولش ﷺ او را دوست می‌دارند، می‌رزد و نمی‌گریزد.

همانطور که بیان کردیم، شرط اساسی در بیعت، وفای به عهد می‌باشد. از طرف دیگر مسلمانان در حدیبیه با پیامبر ﷺ پیمان بستند که دیگر به بهانه‌های واهی از حضور در جبهه‌های جنگ طفره نروند و شانه خالی نکنند. ولی تاریخ همچنان تا پایان عمر شریف پیامبر ﷺ شاهد نقض پیمان بسیاری از به اصطلاح نخبگان صحابه بود. آنها فرار خود را چنین توجیه می‌کردند که ما با پیامبر ﷺ بر سر جانمان پیمان نبسته بودیم. در این رابطه کتاب صحیح مسلم که از کتب معتبر اهل سنت است روایتی بدین مضمون نقل می‌نماید:

«كُنَّا يَوْمَ الْحُدَيْبِيَّةِ أَلْفًا وَأَرْبَعَمِائَةَ فَبَايَعَنَاهُ وَعَمْرٌ أَخَذَ بِيَدِهِ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

و هي سمرة وقال: يا بعناه على أن لا نفرّ ولم نبايعه على الموت»^(۱).

در روز حدیبیه هزار و چهارصد نفر بودیم و با پیامبر ﷺ بیعت کردیم و عمر دست پیامبر ﷺ را در زیر درخت سمرة^(۲) گرفته بود و گفت: با پیامبر ﷺ بیعت کردیم که دیگر فرار نکنیم ولی بیعت نکردیم که در رکاب او کشته شویم.

حال پرسش مهم این است که آیا مسلمانان بر عهد و پیمان خود استوار ماندند یا خیر؟ با رجوع به کتب معتبر اهل سنت در می‌یابیم که بسیاری از کسانی که در بیعت رضوان حضور داشتند در لحظات حساس و خطرناک غزوه حنین

۱- صحیح مسلم، جلد ۶ صفحه ۲۵.

۲- سمرة: نام درختی است شبیه به موز که در مناطق مرطوب می‌روید. (مجمع البحرین، جلد ۲ صفحه ۴۱۷)

گریختند. در این رابطه ابن مسعود که روایت‌های او برای اهل سنت ارزش فراوان دارد می‌گوید:

«كنت مع رسول الله ﷺ يوم حنين فوَّلى عنه النَّاسُ وبقیت معه فی ثمانین رجلاً من المهاجرین والأَنْصار»^(۱).

در روز حنین همراه رسول الله ﷺ بودم و مسلمانان از جنگ فرار کردند و من به همراه هشتاد نفر از مهاجرین و انصار در کنار ایشان ماندیم.

بنا به شهادت تاریخ در غزوه حنین تعداد سپاهیان اسلام دوازده هزار^(۲) نفر بود که از این تعداد، تنها هشتاد نفر در کنار رسول الله ﷺ باقی ماندند و فرار نکردند آیا این مصداق بارز پیمان شکنی نیست؟
در روایتی دیگر اهل سنت نقل می‌کنند:

«لَمَّا كان يوم حنين أقبلت هوازن و غطفان و غیرهم بنعمهم و ذراریهم و مع النبی ﷺ عشرة الآف و من الطَّلقاء فأدبروا عنه حتی بقی و حده»^(۳).

در روز حنین دو قبیله هوازن و غطفان با تمام توان وابستگان خود حمله کردند و همراهِ پیامبر ﷺ ده هزار نفر بودند به همراه آزاد شدگان فتح مکه، اما همه فرار کردند و پیامبر ﷺ تنها ماندند.
البته در بعضی از نسخ آمده است که به همراه رسول الله ﷺ چهار نفر

۱- مستدرک حاکم، جلد ۲ صفحه ۱۱۷، مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۴۵۳ و المعجم الکبیر، جلد ۱۰ صفحه ۱۶۹.

۲- سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۸۳.

۳- صحیح بخاری، صفحه ۵ جلد ۱۰۶ و صحیح مسلم، جلد ۳ صفحه ۱۰۶.

ماندند که حتماً یکی از آنان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. اما اهل سنت برای آبرو داری دوستان و نزدیکان خود، ادعا می‌کنند که همه فرار کردند و رسول الله صلی الله علیه و آله تنها باقی ماندند.

د: ایمان شرط رضایت؛

اشکال دیگری که می‌توان بر استدلال اهل سنت وارد نمود از این قرار است که در علم اصول می‌گویند احکام شرعیّه بر موضوعات مترتب می‌شود؛ لذا موضوع در لسان دلیل و زبان شارع ذکر می‌شود و حاکی از آن است که موضوع واجد اهمیّت است و موضوعیّت دارد.

در آیه مورد استدلال، رضایت پروردگار بر «مؤمنین» مترتب شده است و خداوند متعال تنها از بیعت کنندگان مؤمن خشنود است. حال اگر کسی بگوید چرا در رابطه با آیه مورد نظر به عموم تمسک نمی‌کنید و قائل نمی‌شوید که تمام بیعت کنندگان مؤمن هستند و خداوند از آنان راضی می‌باشد؟ در پاسخ می‌گوییم: این استدلال در اصطلاح علم اصول، تمسک به عام در شبههٔ مصداقیّه می‌باشد و از نظر علم اصول باطل است^(۱).

اگر در آیات قرآن مجید حکمی شرعی به عنوانی تعلق گیرد آن عنوان موضوعیّت دارد و نمی‌توانیم آن حکم را به عناوین دیگر تسری و گسترش دهیم و باید بر همان عنوان و مصداق خاصّ ملتزم باشیم. خلاصه اینکه عنوان مأخوذ

۱- برای بیان ساده‌تر این قاعدهٔ اصولی به این مثال توجه بفرمایید. فردی به گروهی اشاره کرده می‌گوید: تمام فقرای شما مهمان من هستند. در این صورت کسانی که در آن جمع هستند و فقیر می‌باشند دعوت به مهمانی شده‌اند پس اگر در مورد شخصی که در آن گروه است و ما در فقیر بودن او شک داریم، نمی‌توان با استناد به گفتهٔ میزبان او را هم در شمار فقرا به حساب آورد.

در لسان دلیل موضوعیت دارد. به همین دلیل است که می‌گوییم خداوند متعال فقط از مؤمنانی که بیعت کرده‌اند - نه از همه مسلمانان و نه از همه بیعت‌کنندگان - راضی و خشنود است. بدون در نظر گرفتن بحث اصولی و فتنی قبل، و تنها با تأمل و دقت در همین سوره مورد استشهاد روشن می‌گردد که تمام صحابه مؤمن نبودند و در میان آنان مشرک و منافق هم وجود داشتند.

در سوره فتح خداوند متعال نخست از مؤمنین نام می‌برد و در رابطه با آنان می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ
وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا * لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ
سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا﴾^(۱).

او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند، لشکریان آسمانها و زمین از آن خدا است و خداوند دانا و حکیم است. * هدف این بود که مردان و زنان با ایمان را در باغهایی از بهشت وارد کند که نه‌رها از زیر درختانش جاری است، در حالیکه جاودانه در آن می‌مانند و گناهانشان را می‌بخشد و این نزد خدا رستگاری بزرگی است.

سپس در رابطه با منافقان و مشرکان می‌فرماید:

﴿وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنًّا

۱- سوره فتح، آیات ۵-۴.

السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ
وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١﴾ .

و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند مجازات کند، آری حوادث ناگواری که برای مؤمنان انتظار می‌کشند، تنها بر خودشان نازل می‌شود. خداوند بر آنان غضب کرده و از رحمت خود دورشان ساخته و جهنم را برای آنان آماده کرده، و چه بد سرانجامی .

به طور خلاصه، اگر رضایت خداوند شامل همه بیعت‌کنندگان باشد و مخصوص مؤمنین نباشد، باید در آیه مورد نظر به جای قید المؤمنین، قید المبیعین ذکر می‌شد و آیه این گونه بر پیامبر ﷺ نازل می‌شد.

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمَبِيعِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ ...﴾ .

خداوند از بیعت‌کنندگانی که با تو بیعت می‌کنند راضی و خشنود است ...

عدم شک و تردید در ایمان؛

اگر بپذیریم که صرف بیعت رضوان، رضایت مطلق پروردگار را به همراه دارد، باید بپذیریم که صرف اداء شهادتین و یا شهادت بر ولایت امیرالمؤمنین ع موجب رستگاری و سعادت فرد خواهد بود اما این نظر به هیچ وجه قابل قبول نمی‌باشد؛ زیرا آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که شرط ایمان و دینداری را

۱-سوره فتح، آیه ۶.

امری بالاتر از بیعت ظاهری و لقلقه زبان معرفی می‌کند. در این زمینه به آیاتی چند از قرآن کریم اشاره می‌نماییم.

خداوند متعال در سوره حجرات می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ * قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١﴾.

مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها راستگویانند * بگو: آیا خدا را از ایمان خود با خبر می‌سازید؟! او تمام آنچه را در آسمانها و زمین است می‌داند، و خداوند از همه چیز آگاه است.

در این آیه، خداوند متعال شرط ایمان واقعی را **عدم شک و تردید در ایمان معرفی می‌کند** و نشانه آن را جهاد با مال و جان ذکر می‌کند. سپس خداوند متعال به کافران می‌فرماید: آیا می‌خواهید ما را فریب دهید؟ و می‌گویید که مؤمن هستید، در حالی که ما از همه چیز آگاه هستیم. خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمِئِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾ (٢).

هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را

۱- سوره حجرات، آیات ۱۶-۱۵.

۲- سوره احزاب، آیه ۳۶.

لازم بدانند، اختیاری در برابر فرمان خدا داشته باشد، و هر کس نافرمانی خدا و رسولش را کند به گمراهی آشکاری گرفتار شده است. بر اساس این آیه مؤمن واقعی و راستین کسی است که حکم و فرمان خدا و رسول الله ﷺ را بدون هیچ درنگ می‌پذیرد و اطاعت می‌کند. از همه این مطالب که بگذریم مراجعه به تاریخ افرادی را نشان می‌دهد که در بیعت رضوان حضور داشتند ولی مرتکب اعمالی شدند که بی تردید عدالت آنها را زیر سؤال می‌برد و اهل سنت هم توجیهی برای آنها ندارند. برای نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم.

قاتل عثمان از بیعت کنندگان؛

به گواهی تاریخ برخی از افراد شرکت کننده در بیعت رضوان از سر کردگان قتل عثمان بودند. عبدالرحمن ابن عدیس در بیعت رضوان حضور داشت و ضمناً از چهار نفری بود که خانه عثمان را محاصره کردند و وی را به قتل رساندند^(۱). «کان عبدالرحمن بن عدیس ممن بايع تحت الشجرة رسول الله ﷺ وهو كان الأمير على الجيش الذين حصروا عثمان وقتلوه»^(۲). عبدالرحمن ابن عدیس کسی بود که با پیامبر ﷺ در زیر درخت بیعت کرد و فرمانده گروهی بود که خانه عثمان را محاصره کردند و وی را به قتل رساندند.

۱- فتح الباری، جلد ۲ صفحه ۱۵۹، طبقات کبری، جلد ۳ صفحه ۶۵- الثقات، جلد ۲ صفحه ۲۵۶- الاصابة، جلد ۴ صفحه ۲۸۱.
۲- الاستيعاب، جلد ۲ صفحه ۸۴۰.

پرسشی که با توجه به مطالب یاد شده مطرح می‌شود این است که اهل سنت معتقدند تمام صحابه عادل هستند و یا دست کم قائل به عدالت حاضرین در بیعت رضوان هستند. از سوی دیگر دانستیم که یکی از افراد حاضر در بیعت رضوان، عثمان را به قتل رساند. با این مقدمه تنها دو راه پیش رو است:

۱ - خلیفهٔ سوم، مؤمن و مسلمان است و چون دست عبدالرحمن ابن عدیس به خون خلیفه آغشته گشته است این شخص مشمول لعن و غضب الهی قرار گرفته است؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾^(۱).

و هر کس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است، در حالی که جاودانه در آن می‌ماند و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمتش دور می‌سازد و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

بنابر این عبدالرحمن ابن عدیس از دایرهٔ عدالت خارج خواهد شد هر چند که در بیعت رضوان حضور داشت و همین یک مورد، برای نقض ادعای اهل سنت (عدالت تمام شرکت کنندگان در بیعت رضوان) کافی است.

۲ - عثمان فردی مؤمن و مسلمان نبود و قتل او سبب خروج از محدودهٔ عدالت نمی‌گردد.

به طور خلاصه، اگر تمام بیعت کنندگان اهل بهشت باشند، باید مقتول (عثمان) اهل جهنم باشد و مؤمن نباشد. اگر مقتول (عثمان) مؤمن و مظلوم باشد

۱- سورهٔ نسا، آیه ۹۳.

باید قاتل که از بیعت کنندگان است، اهل جهنّم باشد. در نتیجه دست اهل سنّت برای استدلال به عمومیت آیه، کوتاه می‌گردد.

قاتل عمّار در میان بیعت کنندگان؛

یکی دیگر از شرکت کنندگان در بیعت رضوان ابو الغادیه « یسار ابن سبع » است. وی قاتل عمّار یاسر بود و بر این کار افتخار می‌نمود. او هنگام اجازه خواستن برای دیدار معاویه (علیه اللعنة) چنین می‌گفت:

« قاتل عمّار بالباب »^(۱).

قاتل عمّار پشت درب ایستاده است.

از سوی دیگر روایات متعدّدی از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده است که بیان می‌کند قاتل عمّار در آتش جهنّم افکنده خواهد شد. این روایت متواتر است و اگر بخواهیم منابعی که در آنها این روایت نقل شده است را بیان کنیم، باید تمام کتب اهل سنّت را نام ببریم. رسول الله ﷺ خطاب به عمّار فرموده‌اند:

« تقتلك الفئة الباغية »^(۲).

تجاوزکاران تو را می‌کشند.

بر اساس نظر اهل سنّت هر کس علیه خلیفه مسلمین قیام کند (باغی) و تجاوز کار است و باید کشته شود. همانند مالک ابن نویره که از پرداخت زکات امتناع نمود و بر علیه خلیفه قیام کرد. اما بر اساس نظر شیعیان قیام علیه امام معصوم علیه السلام بغی محسوب می‌شود.

۱- اسد الغابة، جلد ۵ صفحه ۲۶۷، الفصل، جلد ۴ صفحه ۱۶۱.

۲- مسند احمد، جلد ۲ صفحه ۱۶۱، صحیح مسلم، جلد ۸ صفحه ۱۸۶، مجمع الزوائد، جلد ۷ صفحه ۲۴۲.

به هر حال بر اساس روایت فوق قاتلین عمّار تجاوز کار هستند و قتل آنان واجب است. آیا باز هم می‌توان قائل به عدالت تمام بیعت کنندگان در بیعت رضوان شد؟!

همچنین از عبدالله ابن عمر (فرزند خلیفه دوم) نقل است که می‌گوید: شنیدم که رسول الله ﷺ فرمودند:

«قاتل عمّار في النار»^(۱).

قاتل عمار در آتش است.

عثمان نیز دو روایت فوق را از رسول الله ﷺ نقل می‌نماید^(۲).

در روایتی دیگر نیز آمده است:

«يدخل سالك وقاتلك في النار»^(۳).

ای عمّار آنکه تو را به بند می‌کشد و آنکه تو را می‌کشد به جهنم می‌رود.

حال با وجود این موارد آیا می‌توان قائل به عدالت همه صحابه شد؟! قاتل عمّار با وجود اینکه در بیعت رضوان حضور داشت عادل است؟! اگر اهل سنت صحّت احادیث فوق را بپذیرند، مدّعیان باطل خواهد شد و باید ملتزم شوند که همه صحابه عادل نبودند و اگر صحّت روایات را نپذیرند معنایش این است که عبدالله ابن عمر و عثمان نسبت دروغ به پیامبر ﷺ داده‌اند و جعل حدیث کرده‌اند. این کار هم گناهی است نابخشودنی و فاعل آن از دایره عدالت خارج

۱- المعیار والموازنة، صفحه ۱۶۰، ترتیب جمع الجوامع، جلد ۷ صفحه ۷۴.

۲- کنز العمال، جلد ۱۳ صفحه ۵۲۸.

۳- کنز العمال، جلد ۱۱ صفحه ۷۲۷، تاریخ مدینه دمشق، جلد ۱۵ صفحه ۳۴۸.

می‌شود؛ بنابراین عدالت خلیفه سوم هم از بین می‌رود.

صحابه و نگرانی از حسن عاقبت؛

شکی نیست که درک محضر رسول الله ﷺ و یا حضور در بیعت رضوان، جزء فضایل به شمار می‌آید. اما آنچه را که امروزه اهل سنت به صحابه منتسب می‌نمایند مورد پذیرش صحابه و حاضرین بیعت رضوان هم نبوده است. آنان بر خلاف اهل تسنن این عصر، از آیات قرآن مجید چنین دریافت و فهمی نداشتند که به دلیل صحابی بودن یا حضور در بیعت رضوان دارای خصوصیتی چون مصونیت از گناه، آتش و دوزخ خواهند گشت و با حسن عاقبت دنیا را وداع خواهند کرد و به طور خلاصه در دنیا و آخرت سعادت‌مند خواهند بود.

به عنوان نمونه به روایتی در این زمینه توجه کنید:

مسیب می‌گوید، عازب را دیدم و به وی گفتم:

«طوبی لك، صحبت النبي ﷺ و بایعته تحت الشجرة، فقال: یا ابن

أخي! إني لا تدري ما أحدثنا بعده»^(۱).

خوشا به حالت، همراه پیامبر ﷺ بودی و با او در زیر درخت بیعت نمودی. عازب پاسخ داد: ای پسر برادرم! نمی‌دانی که پس از آن چه کارها کردیم.

اگر عازب معتقد بود که صرف صحابی بودن و تجدید بیعت موجب مصونیت وی از عذاب جهنم است، این گونه سخن نمی‌گفت و با مسیب درد دل

۱- صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۶۶، فتح الباری، جلد ۷ صفحه ۳۴۶.

نمی‌کرد. گفته‌ی عازب به روشنی نشان می‌دهد که وی بر اساس آیات قرآن مجید صحابی بودن را برابر با عدالت همیشگی و رستگاری نمی‌پنداشت.

به عنوان مثال: اگر به شخصی که در مورد او شناخت کافی نداریم و تنها بدانیم که اهل عبادت و شب زنده داری است بگوییم: خوشایه سعادتت، و وی بگوید: نمی‌دانی چه کارهایی انجام می‌دهم. اولین چیزی که به ذهن انسان خطور می‌کند این است که وی به احکام شریعت ملتزم نیست و احتمالاً در محل کار و یا در خانه، رفتاری مطابق با موازین شرعی ندارد.

روایتی را مالک ابن انس در کتاب موطأ^(۱) بدین مضمون نقل می‌کند.

«إن رسول الله ﷺ قال لشهداء أهدء هؤلاء أشهد عليهم، فقال أبو بكر الصديق: ألسنا يا رسول الله ﷺ إخوانهم؟ أسلمنا كما أسلموا وجاهدنا كما جاهدوا، فقال رسول الله ﷺ: بلى ولكن لا أدري ما تحدثون بعدي! فبكى أبو بكر ثم قال: إتنا لكائنون بعدك؟»^(۲).

هنگامی که رسول الله ﷺ به شهدای احد گواهی دادند [نزد خداوند به نیت خالص آنان شهادت دادند] ابو بکر عرض کرد: ای پیامبر [ﷺ] آیا ما برادران آنان نیستیم، همانند آنان اسلام آوردیم و جهاد کردیم، رسول الله ﷺ فرمودند: آری، ولی نمی‌دانم پس از من چه می‌کنید. سپس ابو بکر گریست و عرض کرد: آیا ما بعد از شما زنده می‌مانیم؟

۱- مالک ابن انس کتاب موطأ را به سفارش ابو العباس سفاح و منصور نوشت و عهد بست که در این کتاب هیچ روایتی را از زبان امیرالمؤمنین عليه السلام ننویسد و هیچ روایتی را که دلالت بر فضیلت اهل بیت عليهم السلام می‌کند، نقل ننماید.

۲- موطأ، جلد ۲ صفحه ۴۶۱-المغازی، جلد ۱ صفحه ۳۱۰.

پیامبر ﷺ آگاه بودند که آنان پس از ایشان چه جنایتها و ظلمهایی می‌کنند، اما ناگزیر به اندازه عقل و درک مخاطب خود سخن می‌فرمودند.

اگر صرف همراهی و مصاحبت با رسول الله ﷺ و حضور در بیعت رضوان، مصونیت آفرین و تضمین‌کننده عاقبت شخص تا پایان عمر است، چرا پیامبر ﷺ به اولین خلیفه پس از خود این گونه پاسخ دادند؟ و چرا ابو بکر از آینده خود نگران می‌گردد؟

بنابر مبنای اهل سنت، پیامبر ﷺ باید به ابو بکر می‌فرمودند: تو از صحابه من هستی و در بیعت رضوان حضور داشتی، هر چه می‌خواهی انجام بده؛ زیرا گناهان گذشته و آینده تو بخشوده شده است، و تو در نهایت رستگار و سعادت‌مند هستی.

پرخورد عمر با یکی از بیعت‌کنندگان؛

هنگامی که رسول الله ﷺ تصمیم به فتح مکه گرفتند یکی از مسلمانان به نام حاطب ابن بلتعنه که با مشرکان هم‌پیمان بود قصد داشت قریش را از تصمیم رسول الله ﷺ آگاه سازد. پیامبر ﷺ از توطئه او با خبر شدند و دستور دادند او را به مدینه باز گردانند. خلیفه دوم به رسول الله ﷺ عرض کرد:

«دعني يا رسول الله ﷺ أضرب عنقه»^(۱).

یا رسول الله ﷺ به من اجازه بدهید که گردن او را بزنم.

۱- بحار الانوار، جلد ۲۱ صفحه ۱۲۵، از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۱۰۵، صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۳۹ و سنن الکبری، جلد ۹ صفحه ۱۴۷.

حاطب ابن بلتعنه از کسانی بود که در ماجرای بیعت رضوان حضور داشت، بنا بر این اگر صرف حضور در بیعت موجب عدالت و رستگاری تا پایان عمر است، چگونه خلیفه دوم قصد داشت او را به قتل برساند؟ در نتیجه یا باید قائل شد به اینکه حضور در بیعت کافی نیست، یا اینکه خلیفه دوم قصد جنایت داشته است.

نتیجه نهایی؛

نتیجه سخن آن که آیه مورد استدلال اهل سنت، دارای معنایی خاص و روشن است و آن اینکه خداوند متعال از تمام مؤمنین بیعت کننده با رسول الله ﷺ راضی و خشنود است به شرط آنکه تا پایان عمر بر این پیمان وفادار و استوار باشند. اما بسیاری از صحابه بر عهد و پیمان خود باقی نماندند، - حتی اگر فضایی هم کسب کرده بودند - و مرتکب گناه شدند و خودشان نیز به قصور و جرم خود معترف هستند^(۱).

صریح آیات قرآن کریم این است که استواری و ثبات قدم در ایمان و پرهیز و تورع از گناهان شرط ثبوت و ثبات ایمان است. در نتیجه عدالت بیعت کنندگان و تمامی صحابه موکول و منوط به این است که تا پایان عمر، شرایط ایمان را رعایت نمایند.

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

۱- بر خلاف روزگار ما که برخی می‌پندارند که صرف کسب فضیلتی در گذشته، موجب محو همه گناهان بعدی می‌گردد و انجام هر کار نادرست و ناشایستی را این گونه توجیه می‌کنند که ما برگردن انقلاب حق داریم!!

خودآزمایی؛

- ① اهل سنت چگونه با توجه به آیه ۱۸ سوره فتح و رضایت پروردگار عدالت صحابه را ثابت می‌کنند؟
- ② آیا آیه مورد نظر در سوره فتح عدالت همه صحابه را ثابت می‌کند؟
- ③ آیا رضایت خداوند متعال از بیعت کنندگان مطلق است یا مخصوص زمانی خاص؟
- ④ هدف مهم از بیعت رضوان چه بود؟
- ⑤ آیا صحابه در بیعت خود با رسول الله ﷺ پایبند ماندند؟
- ⑥ عملکرد صحابه در غزوه حنین چگونه بود؟
- ⑦ چرا رضایت خداوند فقط شامل حال مؤمنین می‌گردد؟ و مؤمنین چه کسانی هستند؟
- ⑧ چرا قتل عثمان و عمار، در نظریه عدالت صحابه خلل ایجاد می‌کند؟
- ⑨ صحابه در رابطه با حسن عاقبت خود چه نظری داشتند؟
- ⑩ شیعیان آیه مورد نظر سوره فتح را چگونه تفسیر و تبیین می‌کنند؟
- ⑪ گفتار عمر در مورد جاسوس مشرکین قریش چگونه می‌تواند استدلال اهل سنت را مخدوش سازد؟
- ⑫ به طور خلاصه بر اساس آیه مورد بحث چه کسانی مورد رضایت خداوند متعال هستند؟

نتیجۀ سخن آن که آیه مورد استدلال اهل
سنت ، دارای معنایی خاص و روشن است و آن
اینکه خداوند متعال از تمام مؤمنین بیعت کننده با
رسول الله ﷺ راضی و خشنود است به شرط
آنکه تا پایان عمر بر این پیمان وفادار و
استوار باشند . اما بسیاری از صحابه بر عهد و
پیمان خود باقی نماندند ، - حتی اگر فضایی هم
کسب کرده بودند - و مرتکب گناه شدند و
خودشان نیز به قصور و جرم خود معترف هستند .
(صفحه ۲۲ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر : ۴۴۴۹۹۳۳

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

به سوی معرفت ۴۶

۲۵